

## نقش انگلستان در تحولات پس از مشروطه از دیدگاه روزنامه جنوب

رضا معینی رودبالی<sup>۱</sup>

### چکیده

انقلاب مشروطه از تحولات مهم تاریخ معاصر ایران است. مقابله با نفوذ روزافزون روس‌ها در ایران و همزمان به حاشیه رانده شدن انگلیسی‌ها از جمله دلایل حمایت انگلیس از مشروطه در ایران بود. با تحقق مشروطیت و تغییر سیاست‌های جهانی انگلیس و روس، انگلیس به صف مخالفان مشروطه پیوست. در مقاله حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکاء به روزنامه جنوب سامان یافته است، دیدگاه‌های روزنامه جنوب نسبت به این تغییر سیاست بررسی می‌شود. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که دلایل مخالفت این روزنامه با انگلیسی‌ها پس از مشروطه چه بود؟ یافته‌ها حکایت از آن دارد که منافع اقتصادی انگلیس که در قالب عهدنامه‌ها و قراردادهایی چون عهدنامه لنینج و قرارداد ۱۹۰۷م. سامان یافته بود، عدم توجه به تمامیت ارضی ایران، توزیع و قاچاق اسلحه در مناطق جنوبی، بیداری و آگاهی ایرانیان بعد از مشروطه در مبارزه با قراردادهای امتیازهای استعماری در مخالفت گردانندگان روزنامه با آنان مؤثر بوده است و این روزنامه با انتشار مقالات تحلیلی به واکاوی مخالفت با سیاست‌های انگلیس پرداخته است.

### ▪ واژگان کلیدی:

ایران، انگلستان، انقلاب مشروطه، تحولات، روزنامه جنوب، دیدگاه‌ها.

---

درجه مقاله: علمی-ترویجی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

۱. استادیار گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران-ایران r.moeini@cfu.ac.ir

## مقدمه

سابقه فعالیت‌های مطبوعاتی در ایران به سال‌های پایانی دوران قاجار برمی‌گردد و همگام با دگرگونی‌های ساختاری و محتوایی حکومت، جایگاه، نقش، حقوق و آزادی‌های مطبوعات نیز دستخوش تحولات شده است (پیلتن، ۱۳۸۹: ۲۲۸). مطبوعات که مردم را با حقوق و مفاهیم تازه آشنا می‌کرد، رشد کرد و در پی آن، ایرانیان نیز از خواب غفلت بیدار شده و بیش از پیش به حقوق حقه خود آگاه شدند. انقلاب مشروطه، نقطه‌عطفی در تاریخ معاصر ایران است و تجزیه، تحلیل و درک درست آن به بازشناسی تحولات قبل و بعد از آن یاری می‌رساند. نقش عوامل خارجی چون مداخلات انگلیس در پیروزی مشروطه حائز اهمیت است و چرایی حمایت انگلیسی‌ها از پیروزی ابتدایی و دلایل مخالفت آنان با تثبیت آن، دستمایه پژوهش‌ها قرار گرفته است (آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ فوران، ۱۳۷۸؛ امینی و شیرازی، ۱۳۸۲). انگلیس در جریان انقلاب مشروطه، ابتدا از مشروطه‌خواهان حمایت نمود؛ اما در ادامه و بر اساس تاکتیک جدید و واگذاری سهم روس‌ها در قرارداد ۱۹۰۷ م. حمایت خود را از مشروطه‌خواهان پس گرفت. یکی از ویژگی‌های مهم مطبوعات عصر مشروطه، بُعد بیگانه‌ستیزی آن است و طنین این مبارزات در روزنامه‌هایی چون روزنامه جنوب به‌گونه‌ای است که حس ناسیونالیستی ایرانیان را به تصویر می‌کشد. روزنامه جنوب با مدیریت محمدباقر تنگستانی از جمله بحران‌های کشور بعد از مشروطه را سیاست‌های انگلیس می‌دانست که با واگذاری و انحصار امتیازات اقتصادی به نفع خود و همچنین ایجاد تفرقه در بین مشروطه‌خواهان، کشور را به قهقرا برده بودند. انگلیسی‌ها بعد از پیروزی مشروطه در فعل و انفعالات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوره قاجار نقش مؤثری داشتند. ورود آنان به این عرصه‌ها، جامعه را با بحران‌های عدیده‌ای مواجه نمود. در این جهت، مقاله‌نویسان روزنامه جنوب با ارائه مقالات روشنگرانه، سعی در مبارزه با منافع انگلیسی‌ها نمودند. اهمیت تحقیق حاضر از آن روست که روزنامه جنوب به‌عنوان یک روزنامه و مسئول صریح بازتاب وقایع و همچنین مدیرمسئول آن، جایگاهی مهم در مبارزه با استبداد و استعمار داشتند و با ارائه موضوعات مهم، نقش برجسته‌ای در مشروطه و ایجاد حاکمیت مبتنی بر قانون و سرانجام حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران ایفاء نمودند.

نظر به اهمیت و تازگی موضوع، این جستار در نظر دارد که با روش توصیفی-تحلیلی، ویژگی‌های منفعت‌طلبی انگلیسی‌ها و راهکارهای مبارزه با آن را در روزنامه جنوب مورد بررسی قرار دهد. بر این مبنا، سؤالاتی که این تحقیق در صدد پاسخگویی به آن برآمده

است، این است که روزنامه جنوب به عنوان یکی از مهم ترین مخالفان انگلیسی ها در ایران و در مناطق جنوبی، چه واکنشی نسبت به استعمار آنان نشان داد و راه حل های مبارزه با این سیاست از دیدگاه نویسندگان روزنامه چه بود و در این راستا به چه میزان توانستند توفیق پیدا کنند؟ فرض بر آن است که روزنامه جنوب، ضمن اشاره به ابعاد مختلف سیاست های استعماری و چپاولگرانه انگلیس قبل از مشروطه، با درج مقالات متعدد به انزجار از این سیاست اقدام نمود و ثانیاً مبارزه در جهت عدم انعقاد قراردادهایی چون قرارداد لینچ، مخالفت با قاچاق اسلحه به داخل ایران و حمایت از افرادی چون شیخ خزعل را در صدر برنامه های خود قرار داد. مواردی که هر چند در ابتدا با امیدواری زیادی همراه بود، اما در ادامه و با ایجاد بحران های متعدد داخلی و خارجی، راه را بر تحقق آن بست و باری دیگر، فساد و استبداد، آرمان های مشروطه را به سمت بحران برد.

در باره مواضع روزنامه جنوب نسبت به تحولات کشور در عصر قاجار و پهلوی، تاکنون مقالات و پژوهش هایی صورت گرفته است. میکائیل وحیدی راد در مقاله خود با عنوان «روزنامه ندای جنوب»، در بررسی مواضع نخستین روزنامه مخالف قرارداد داری، دلایل مخالفت روزنامه جنوب را با قرارداد داری مورد واکاوی قرار داده است. (وحیدی راد، ۱۳۹۶: ۱۳۰-۱۱۱)؛ رضا معینی رودبالی نیز در مقاله: «بررسی مواضع روزنامه جنوب نسبت به تصویب لایحه جلب سوار از ایلات و عشایر بعد از مشروطه»، به روند بررسی نخستین تلاش ها در باره مقدمات تشکیل ایجاد قانون نظام وظیفه عمومی در ایران از منظر این روزنامه توجه نشان داده است (معینی رودبالی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰۲-۷۹)؛ جعفر حمیدی نیز در کتاب «بوشهر در مطبوعات عصر قاجار» که تحولات این بندر را در دوران قاجار و از منظر سه روزنامه جنوب، حبل المتین و مظفری مورد بررسی قرار داده، فقط مطالب مربوط به بوشهر را بدون تحلیل آن درج نموده است (حمیدی، ۱۳۷۸: ۳۹-۱۳). بنابراین، همانگونه که ملاحظه می شود، مواضع روزنامه های عصر مشروطه از جمله روزنامه جنوب در بُعد استعمارستیزی، چندان مورد اهتمام جدی قرار نگرفته است؛ به همین دلیل نویسنده، این موضوع را مورد واکاوی قرار داده است.

### مختصری در باره زندگینامه محمدباقر تنگستانی

محمدباقر تنگستانی پسر سرتیپ علیخان تنگستانی در سال ۱۳۰۱ق. در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در تنگستان از توابع بوشهر به دنیا آمد و در سال ۱۲۸۷ش. برابر با ۲۱ ذی الحجه ۱۳۲۸ق. روزنامه جنوب را پایه گذاری کرد. این روزنامه در ۱۳۲۹ق. توقیف شد

(یاحسینی ۱۳۸۷:۶۵۰؛ حمیدی، ۱۳: ۱۳۷۸)، سپس، روزنامه ندای جنوب با تکیه تام به مرامنامه روزنامه جنوب و در پیش گرفتن قواعد و اسلوب همان روزنامه، جای آن را گرفت. تنگستانی برای تحصیل به مدرسه سعادت رفت که این مدرسه در سال ۱۲۷۸ ق. به عنوان نخستین مدرسه مدرن جنوب ایران تأسیس شده بود و از نظر تاریخی مادر مدارس جنوب ایران به شمار می‌رفت. از جمله حوادث مهم دوران کودکی محمدباقر تنگستانی که تأثیری مهم بر شکل‌گیری شخصیت و ذهنیت او نسبت به انگلستان و سیاست‌های آن کشور در ایران و منطقه داشت، تصرف بوشهر و قتل عام مردم آن شهر توسط انگلیسی‌ها بود. اختلافات ایران و انگلستان بر سر هرات موجب شد تا سیاست انگلستان به دخالت مستقیم برای حفظ موقعیت پرنفوذ خود تغییر کند. انگلیسی‌ها که در ابتدا بر سیاست حمایت از دوست محمد خان به عنوان یکی از طرف‌های درگیر در ماجرای فتح هرات تأکید می‌کردند، این سیاست را کنار گذاشتند و رأساً علیه ایران وارد تقابل نظامی شدند (معینی رودبالی و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۸). به این ترتیب، نیروهای انگلستان که از طریق هند فرماندهی می‌شدند و در آب‌های خلیج فارس حضور داشتند، در ۶ ربیع‌الثانی ۱۲۷۳ ق./چهارم دسامبر ۱۸۵۶ م. از جنوب به ایران وارد شدند و خارک را تصرف و بوشهر را نیز گلوله‌باران کردند. بوشهر سقوط کرد و ژنرال جیمز اوترام<sup>۱</sup> در ۷ ژانویه ۱۸۵۷ م. به این شهر وارد شد و پس از مدت کوتاهی محمره و اهواز را نیز به تصرف خود درآوردند (هدایت، ۱۳۸۰: ۸۶۰).

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش./۱۹۲۱ م. و اشغال تهران، اغلب رجال سیاسی و متنفذ شهر بازداشت شدند که محمدباقر خان نیز ظاهراً جزء بازداشت‌شدگان بود. وی در دوران حکومت رضا شاه، هیچ نوع فعالیت سیاسی یا مطبوعاتی نداشت؛ زیرا فضای سیاسی عصر رضاشاهی امکان این گونه فعالیت‌ها را از او سلب کرده بود. با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. و سلطه استبداد سیاسی و مطبوعاتی بر فضای کشور، محمدباقر خان تنگستانی نیز، چون اکثر چهره‌های فرهنگی و سیاسی، فعالیت‌های سیاسی را کنار گذاشت و روزگار خود را به ملاقات با دوستان قدیمی و برخی روزنامه‌نگاران و مورخان سپری کرد. او سال‌های پایانی عمرش را به مطالعه کتاب‌های ادبی و تاریخی و بیان خاطرات سیاسی و تاریخی خود در باب ایام مشروطه، جنگ جهانی اول و مهاجرت به ترکیه عثمانی سپری نمود (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۹-۵) و سرانجام، پس از عمری تلاش در راه استقرار دموکراسی، آزادی و حکومت قانون در ۱۹ تیر ۱۳۳۹ ش. در سن ۷۹ سالگی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد (یحیی‌آبادی، ۱۳۹۳: <https://www.iichs.ir/fa/news/>).

<sup>۱</sup>. James Outram

## مواضع ضد انگلیسی روزنامه جنوب بعد از مشروطه

### الف: نقش انگلیس در توزیع اسلحه مناطق جنوبی ایران

طی سال‌های پیش از جنگ جهانی اول در خلیج فارس و مناطق جنوبی ایران، تجارت اسلحه رونق فراوانی یافت. دسترسی آسان نیروهای مخالف سیاست‌های بریتانیا در هندوستان به این سلاح‌ها، تلاش مقامات بریتانیایی را برای ممنوعیت این تجارت در خلیج فارس به دنبال داشت. در همین راستا و به اشاره بریتانیایی‌ها، تجارت اسلحه در ایران در سال‌های ۱۲۹۸ و ۱۳۱۴ ق. / ۱۸۸۱ و ۱۸۹۱ م. از سوی مقامات ایران ممنوع گردید. بندر بوشهر که در دوره قاجار بندر اصلی خلیج فارس به‌شمار می‌آمد، یکی از مراکز اصلی تجارت اسلحه بود. شرایط اجتماعی و قبیله‌ای نواحی جنوبی ایران، رونق این تجارت را در بندر بوشهر موجب شده بود. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که به دنبال ممنوعیت تجارت اسلحه در خلیج فارس و ایران، چه عواملی موجب استمرار ورود اسلحه در قالب قاچاق به بوشهر، به عنوان کانون توزیع اسلحه در نواحی جنوبی ایران گردید؟ شاید سود سرشار تجارت اسلحه و شرایط اجتماعی و ساختار قبیله‌ای نواحی جنوبی موجب استمرار ورود اسلحه از طریق قاچاق به بوشهر گردید. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تجارت اسلحه در بوشهر به‌عنوان یکی از مراکز دادوستد اسلحه منقطع نشد و به شکل قاچاق تداوم یافت (شهوند و اسدی، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

روزنامه جنوب، توزیع اسلحه را یک سیاست تعمدی از سوی انگلیسی‌ها و در جهت ایجاد ناامنی می‌داند و در این مورد با انعکاس نظر سیاستمداران ایرانی به انتقاد از این سیاست می‌پردازد. محمدعلی بهجت، نماینده خوزستان در مجلس دوم با ارسال مقاله‌ای به دفتر روزنامه، با اشاره به اشتباهات روزنامه ایران‌نو در مورد سیاست‌های انگلیس در ایران به نقد سیاست‌های این روزنامه در ابعاد مختلف پرداخته است. بهجت به نقش انگلیس در سرگرم نمودن ایرانیان در مناطق غربی، شمالی و غفلت ایرانیان در توجه به مناطق جنوبی، جدایی مناطق شمالی و غربی را به همین عامل مرتبط می‌داند. او در ادامه، ضمن رد تصادم انگلیسی‌ها با اعراب خوزستان و تکذیب قاچاق اسلحه توسط آنان، تصادم را با اعراب مسقط و قطیف و احساء دانسته که از خوزستان فاصله زیادی داشتند. وی توزیع اسلحه در میان آنان را سیاست انگلیس در جهت تحریک و شورانیدن اعراب این مناطق علیه دولت عثمانی بیان می‌کند و با اشاره به این رویه انگلیس، آن را یک سیاست عمدی از سوی آنان در جهت تضعیف دولت عثمانی می‌داند. نتایج این سیاست (توزیع و ارزانی سلاح) نیز از دیدگاه

بهجت، ورود آن به صورت قاچاق به خلیج فارس و در ادامه به بلوچستان و افغانستان بود و آن را مقدمه هزاران فتنه و فساد در این مناطق برشمرده است که نتیجه سوء آن، عاید خود انگلیسی‌ها خواهد شد. همچنین در بخش دیگری از مقاله، بهجت، ضمن رد نظر روزنامه ایران نو که توزیع اسلحه را به تحریکات شیخ خزعل در ایران منتسب می‌نمود، شیخ را نماینده و مأمور مستقیم دولت ایران در سرحدات محمره دانسته و آنگ تجزیه‌طلبی بر او را ناروا می‌داند (جنوب، سال اول، ۵ محرم ۱۳۲۹ق، ش. ۳، ص. ۱).

**ب: اقدامات غیرقانونی انگلیسی‌ها در تصویب و اجرای امتیاز لینچ (حق کشتیرانی در کارون)**  
دولت‌های روس و انگلیس به عنوان قدرت‌های جهان در قرن نوزدهم، راه را به‌عنوان ابزاری برای تسلط سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی خود در ایران تصور می‌کردند؛ به همین دلیل، امتیازات گسترده‌ای در زمینه راه‌سازی از ایران در شمال و جنوب گرفتند و مفاد بیشتر این امتیازات مورد بررسی قرار نگرفته است. روس‌ها و انگلیسی‌ها در راه‌سازی از وسایل مدرن استفاده کردند و متخصصین خود را به داخل ایران آوردند که این عوامل به توسعه راه‌سازی در ایران کمک نمود. اما از جهت دیگر، مسیرهای راه‌سازی را بر دولت ایران تحمیل کردند و به تدریج تسلط سیاسی خود را بر راه‌های ایران افزایش دادند (وزین‌افضل، ۱۳۹۸: ۳). کمپانی برادران لینچ، شرکت کشتیرانی وابسته به هنری بلوس لینچ<sup>۱</sup>، سرمایه‌دار و نماینده پارلمان (۱۹۱۰-۱۹۰۶م)، بریتانیایی بود که توانست امتیازهای مهم چون کشتیرانی در کارون و احداث جاده بختیاری (راه تجاری خوزستان به اصفهان) را از شاهان قاجار کسب کند. احتمالاً واژه لنج که در جنوب به کشتی‌های کوچک گفته می‌شود، از نام همین کمپانی اخذ شده، زیرا نظام‌السلطنه در خاطراتش، او را با همین نام یاد می‌کند. ظاهراً حضور این کمپانی در اهواز حتی مقدم بر تأسیس بندر بوده است؛ زیرا نظام‌السلطنه هنگامی که در خاطرات خود، اولین بازدیدها و اقدامات برای احداث بندر را شرح می‌دهد، تصریح می‌کند که: «کسان لنج که آنجا برای تجارت آمده بودند، دو کپر که خانه‌های از نخل و خرما و شاخ اوست، به رسم اعراب زده بودند» (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۱۵۹).

از نظر نظامی و سیاسی، تسلط بر کارون و ایالات جنوب ایران که قبایل قدرتمندی نیز در آن مناطق زندگی می‌کردند، می‌توانست توازن قدرت را به نفع انگلیسی‌ها سنگین کند و آنها در مواقع لزوم، نیروهای خود را به سرعت در منطقه پیاده کنند. انگلیسی‌ها با ایجاد

<sup>۱</sup>. Henry Bloss Lynch

راه آهن در ترکیه تا مرز عراق می توانستند نیروهای خود را به سرعت پیاده کرده و از طریق دجله و کارون، تسلط خود را در مدت کوتاهی در غرب، جنوب و مرکز ایران برقرار کنند. از ابتدا شرکت های انگلیسی با پشتوانه سیاسی وزیرمختار انگلیس در تهران تلاش می کردند تا با دستیابی به امتیاز کشتیرانی رود کارون، باعث تقویت تجارت خود و تأمین منافع تجاری و سیاسی انگلستان شوند. انگلیسی ها به وسیله کمپانی وابسته به خود، یعنی کمپانی لینچ که نفوذ قابل توجهی در عراق داشت و در دجله تا بصره کشتیرانی منظمی را به راه انداخته بود، از طریق ارون درود (شط العرب) تجارت خود را با سواحل ایرانی خلیج فارس گسترش داده و توانسته بود تا خرمشهر نفوذ تجاری داشته باشد (وزین افضل، ۱۳۹۸: ۲۶).

از جمله دلایل مخالفت با انگلیسی ها، از دیدگاه گردانندگان روزنامه جنوب، تصویب و اعمال امتیازات اقتصادی چون حق کشتیرانی بر روی رود کارون (امتیازنامه لینچ) در جهت تأمین منافعشان بود. روزنامه جنوب این امتیازنامه را نه تنها ابزاری در جهت حل مشکلات کشور نمی دانست، بلکه با اشاره به حسن نیت نداشتن انگلیسی ها، آن را به منافع اقتصادی آنان مرتبط می دانست و به ایرانیان صدمات اقتصادی جبران ناپذیری وارد می نمود. روزنامه با انعکاس سخنان نماینده برجسته خوزستان در مجلس مشروطه، دلایل مخالفت با واگذاری امتیاز به انگلیسی ها را به وضوح اعلام نمود. بهجت در سؤالاتی که مورخه ۲۸ ذی الحجه ۱۳۲۸ ق. از معاون وزارت خارجه داشت، به دلایل مخالفت خود در واگذاری امتیازنامه اشاره نموده است. از نظر او، نه تنها انگلیسی ها به مفاد امتیازنامه عمل ننموده، بلکه با تصرفات غیرقانونی در محل امتیازنامه، به اختلافات منطقه ای نیز دامن زده بودند. عدم استفاده و به کارگیری کامل عمده های (کارگران) ایرانی، عدم آگاهی از خرید سهام توسط ایرانیان، عدم استفاده از بازرسین (مفتشین) ایرانی جهت نظارت بر اعمال کمپانی لینچ و همچنین عدم پرداخت مخارج جهت این مفتشین از سوی انگلیسی ها و تصرف اراضی و جزایر ایرانی نظیر بهمنشیر جهت تصفیه کارخانه نفت، احداث تلفون و وارد نمودن صندوق های سربسته در آن مناطق، بدون معاینه گمرک، همگی مواردی بود که اعتراضات بهجت جهت تصویب و اجرایی شدن امتیازنامه را به همراه داشت (روزنامه جنوب، سال اول، سه شنبه، ۱۶ محرم ۱۳۲۹ ق. صص. ۳-۴). «از دیگر اقدامات غیرقانونی کمپانی لینچ، وارد نمودن آب به کارون علیا بدون اجازه دولت ایران بود. این موضوع مورد انتقاد روزنامه جنوب قرار گرفت و وزارت خارجه و فواید عامه را مورد انتقاد قرار داد. علاوه بر ورود دوبی<sup>۱</sup> آب به کارون، کمپانی

۱. آب پایه و مقدار جریان آبی که رودخانه در حالت غیرسیلابی دارد.

کشتی بخاری را نیز وارد این رودخانه کرده بود. از منظر روزنامه، بی‌اعتنایی به دولت ایران در مورد چنین رودخانه معظمی که اهمیت سیاسی و تجارتي آن بر کسی پوشیده نبود را از اختیار دولت خارج می‌نمود» (روزنامه جنوب، سال اول، ۱۵ محرم ۱۳۲۹ ق. ش. ۴، صص. ۷-۶).

### ج: نقش انگلیس در ناامن نمودن بنادر جنوبی ایران

دریا در مناطق جنوبی ایران از اهمیت بسیاری برخوردار بود و همواره از حکمرانان مناطق جنوبی مانند بوشهر با عنوان «دریابگی» یاد می‌شد. سیاحان خارجی که به این مناطق سفر می‌کردند، از شیوه حکمرانی در این مناطق در تألیفاتشان یاد نموده‌اند. نوبویوشی فوروکاوا<sup>۱</sup> ژاپنی که در دوره ناصری به ایران آمد و از مناطق جنوبی ایران نیز دیدن نمود، به لحاظ تقسیمات جغرافیایی، بوشهر را در حوزه فارس ذکر نموده و حکمران آنجا را تابع والی فارس (فرهاد میرزا معتمدالدوله) می‌داند. گویا رسم معمول حکمرانان در رسیدن به حکومت مناطق مختلف (پرداخت مبلغی وجه نقد) در این برهه، در بوشهر نیز برقرار بوده و دریابگی در ازای پرداخت مبلغی، حکومت آنجا را از شاه ایران خریداری می‌کرد. تنها نکته قابل توجه، استقلال کارگزار امور خارجه از حکمران فارس و بنادر بوده که این کارگزار- با توجه به اهمیت تعاملات سیاسی حکومت قاجار با دولت‌های خارجی- از تهران به بوشهر اعزام می‌شد (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

اهمیت توجه به دریا و بنادر به گونه‌ای بود که در اداره ایالتی فارس، شعبه «حکومت بنادر خلیج ایران» تأسیس شد (معینی رودبالی، ۱۳۹۹: ۵۲) با توجه به اینکه حوزه جنوب از دوران قاجار، نقشی مهم در تحولات سیاسی و اجتماعی کشور برعهده داشت، ضعف دولت مرکزی به دودستگی و تفرقه در منطقه دامن می‌زد و درگیری بین خوانین دشتی، دشتستان، برازجان و شبانکاره، مانع از برقراری نظم و امنیت می‌شد. در دوره قاجار و به هنگام ضعف اقتدار دولت مرکزی، حکمرانان بنادر که در چنین مواقعی از سوی دولت قاجار، نظارتی بر اعمال و کردار آنان صورت نمی‌گرفت، در جهت انباشته‌نمودن کیسه‌هایشان دست به هر اقدامی می‌زدند. در چنین شرایطی، آنان حتی از تضعیف امنیت در منطقه حکمرانی‌شان ابایی نداشتند؛ بنابراین، در چنین حکومتی- که مردم از حاشیه امنیتی برخوردار نبودند- برای محافظت از خود به تهیه اسلحه مبادرت می‌نمودند. در این برهه که مصادف با بحران‌هایی بود که محمدعلی شاه در اثر اعمال حکومت استبدادی دوباره در

<sup>۱</sup>. Nabuyoshi Furukawa



کشور برقرار نموده بود، در بنادر ایران نیز امنیت از زندگی مردم رخت بر بسته بود و در «بندر بوشهر که مرکز صحرانشینان دشتی و دشتستان بود، متجاوز از یکصد نفر مسلح دهاتی و غالباً خون‌دار یکدیگر برای خرید و فروش به شهر می‌آمدند و در جهت انتقام از یکدیگر به شلیک گلوله می‌پرداختند» (روزنامه حبل‌المتین، سال ۱۹، ش ۳، ۶ رجب ۱۳۲۹ ق/ ۳ جولای ۱۹۱۱، ص. ۱۷). در چنین فضایی، یکی از فقیهان شهر (محمدعلی)، کشته شد و قاتلین فرار نمودند، تا اینکه با اقدامات موقرالذوله، حکمران بوشهر، یکی از قاتلین (حسن) را از تنگستان به بوشهر آوردند و برای بازپرسی به حبس او پرداختند. آنچنان که نویسنده حبل‌المتین اشاره می‌کند، این موضوع به خاطر اقدامات عمدی حکمرانان سابق بود که از فقدان امنیت در صفحات جنوبی کشور حمایت می‌کردند. فرد خاطی، قبلاً قتل‌های دیگری را نیز مرتکب شده بود و افرادی از بندر ریگ، میناب و شبانکاره را نیز به قتل رسانده بود. بعد از محاکمه شخص نامبرده، حکومت بوشهر حمل هرگونه اسلحه را ممنوع اعلام نمود و کدخدای ری‌شهر را مأمور کرد که در یک‌فرسخی شهر، تفنگ‌های عابری را گرفته و با دادن رسید به آنان اجازه ورود به شهر داده شود و آنها در بازگشت، با ارائه قبضشان دوباره می‌توانستند اسلحه خود را دریافت نمایند. با تثبیت اوضاع و اعمال قوانین جدید، جز تفنگچیان کلانتر و گمرک، کسی نمی‌توانست به حمل اسلحه بپردازد. در تحکیم این شرایط، موقرالذوله به سید حسن بهبهانی، رئیس بلدیة بوشهر دستور داد که با افتتاح مجدد بلدیة، اعلانی را مبنی بر وضع مقررات جدید در مورد برقراری امنیت در شهر نصب نماید. (حبل‌المتین، سال ۱۹، ش. ۳، ۶ رجب ۱۳۲۹ ق/ ۳ جولای ۱۹۱۱ م. صص. ۱۸-۱۷).

با تحقق مشروطه، نابودی ملوک‌الطوایفی و نیروهای گریز از مرکز و تحقق اقتدار حکومت مرکزی، یکی از هدف‌های مشروطه‌خواهان بود که متعاقباً امنیت و آرامش بنادر به عنوان یک منبع مهم اقتصادی را دنبال می‌نمود. از جمله اهداف انگلیس بعد از مشروطه، به‌مانند دوران ملوک‌الطوایفی، عدم امنیت در مناطق مذکور و در جهت تأمین منافع اقتصادی خود بود. در این راه، انگلیسی‌ها با اعمال «سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن» با مقابله نمودن کارگزاران و مردم بنادر، در عدم امنیت این مناطق نقش مهم ایفاء نمودند. این موضوع از دیدگاه نویسندگان روزنامه جنوب پنهان نماند و با درج مقاله‌ای در صدد مقابله با این سیاست انگلیسی‌ها برآمدند. روزنامه با توضیحات مفصل از توطئه‌ها و نقشه‌های غیرانسانی انگلیسی‌ها در جهت ناامن نمودن بنادر جنوبی پرده برداشت و با مخاطب قرار دادن نمایندگان مجلس شورای ملی و دست‌اندرکاران وزارت خارجه، از آنان تقاضا نمود تا با

ریشه‌کن نمودن این سیاست و انتخاب کارگزاران و والیان درست و صدیق و به دور از فساد مالی برای بنادر و تأمین حقوق مناسب برای آنان از دخالت‌های نابجای انگلیس در بنادر بکاهند. در این دوران که مقارن با کابینه سپهدار رشتی بود، همچنان و با گذشت سه سال از عمر دولت مشروطه، اقتدار حکومت مرکزی در بنادر برقرار نشده بود. روزنامه جنوب در مقاله‌ای با عنوان: «بنادر خلیج، خطاب به وزرا عظام» با اشاره به اهمیت فوق‌العاده بنادر ایران که در این مقطع زمانی بدون «صاحب و والی» و توسط افرادی که مرعوب سیاست‌های انگلیس بودند، اداره می‌شد؛ با انتقاد از عدم وجود حس وطن‌پرستی آنان، به پیامدهای سوءمدیریت در بنادر از جمله مختل شدن تجارت، بایر شدن زمین‌های زراعی و گداپرووری رعایا اشاره نمود که منجر به کوچ آنان به مناطق مجاور چون عراق عرب و عمانات شد. به روایت نویسنده و با توجه به تحقیقات انجام‌شده، دو ثلث اهالی عراق عرب و عمانات را فراریان فارس و خوزستان و کرمان تشکیل می‌داد و کسانی هم که در ایران و مناطق جنوبی می‌ماندند، به خاطر ظلم والیان بنادر و خوانینی که آنان را تحت ستم قرار داده بودند، مجبور می‌شدند خود را تبعه انگلیس نمایند که پیامد جبران‌ناپذیر آن، مداخلات انگلیسی‌ها در امور داخلی ایران بود و با اندک بهانه‌ای در جهت حمایت از افراد تبعه خویش، به تحقیر مأموران و والیان ایرانی و تنزل آنان به درجات و مشاغل پائین‌تر می‌پرداختند و حتی آنان را تهدید به عزل از خدمات دولتی می‌نمودند. نویسنده مقاله روزنامه جنوب با تأکید بر خیانت والیان منفعت‌طلب می‌نویسد: «اگر از اول مأمورین خائن در بعضی کارهای جزئی اجانب مسامحه نمی‌کردند، رشوه نمی‌گرفتند، ساعت، ماهوت، تفنگ و چاقو به تعارف قبول نمی‌کردند، امروز نفوذ دو دولت مقتدر عالم (روس و انگلیس) در مملکت اسلامی قوت نداشت و سرتاسر وطن ما را لشکر اجنبی احاطه نمی‌کرد و شیپور قونسولخانه انگلیس در بنادر به صدا در نمی‌آمد» (روزنامه جنوب، سال اول، ش. ۱۲، یکشنبه ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ق، صص. ۷-۸). وی همچنین با اشاره به چرایی این موضوع که در بوشهر که بیرق دول خارجی چون آلمان، فرانسه و عثمانی هم موجود است، به چه دلیل انگلیسی‌ها به چنین امری مبادرت می‌کنند، جواب آن را در ترس والیان بنادر از قونسولخانه انگلیس دانسته و به نظر او پاسخ صریح این سؤال را می‌بایست نمایندگان مجلس شورای ملی از وزارت خارجه بخواهند. نویسنده با اشاره صریح به خرج‌تراشی‌ها و تملق‌گوئی‌های چنین والیانی نسبت به انگلیسی‌ها، این موضوع را از جمله دلایل سلب اقتدار دولت ایران در جنوب برمی‌شمرد که خطر تجزیه مناطقی چون بحرین و سایر مناطق خلیج فارس چون عمانات، بلوچستان و بندر گواتر را محسوس

می نمود. سرانجام، نویسنده مقاله راه علاج را در مقابله با این سیاست انگلیس: «فرستادن چند نفر مأمور [والی] وطن دوست برای ادارات محمره [خرمشهر]، بوشهر و لنگه، بندرعباس، جاسک، چابهار و گواتر» دانست و پیشرفت این والیان را «بسته به اطاعت همه آنان از یک نفر رئیس مقتدر با علم و وجود یک هزار نفر قشون جوان مستعد نظامی» دانست که با تثبیت آن، «هم در غالب امور پیشرفت خواهد نمود و هم اقتدار ایران برای استقلال محفوظ می ماند» (روزنامه جنوب، سال اول، ش. ۱۲، یکشنبه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۹ ق. صص. ۸-۷).

با تحقق مشروطه، نه تنها امنیت آنچنان که گفته شد، در مناطق مختلف ایران محقق نشد؛ بلکه با مذاکرات روس و انگلیس در جریان قرارداد ۱۹۰۷م. به بن بست رسید. انگلیسی ها که با وعده و وعید و تشکیل پلیس جنوب، ادعای برقراری امنیت در مناطق جنوبی ایران با ورود سربازان هندی را داشتند، نه تنها در این زمینه دستاوردی نداشته، بلکه عملکرد پلیس جنوب در برخورد با ایرانیان بر این ناامنی افزود. در سال ۱۳۲۸ ق. انگلستان طی یادداشتی تأکید نموده بود که اگر امنیت مناطق جنوبی (فارس، کرمان و بندر بلوچستان و عربستان [خوزستان]) در مدت سه ماه محقق نشود، با بهره گیری از سربازان هندی این امر را به سرانجام می رساند. روزنامه جنوب با اشاره به نقش مخرب انگلیسی ها در محو استقلال ملل خاورمیانه چون هندوستان و همچنین مبارزات استعماری ایرانیان در مناطقی چون برازجان در مقابل آنان، خاطرنشان نمود که ایرانیان طالب چنین امنیتی نبوده و در صورت خروج انگلیس از این مناطق خود مردم با همراهی وطن دوستان صدیق امنیت را محقق خواهند نمود. طمع و حرص و آز انگلیسی ها نسبت به سرزمین های خاورمیانه از دیدگاه روزنامه آنچنان بود که برای تأکید بر دامن زدن به ناامنی توسط انگلیسی ها از سخنان خود آنان نیز بهره می برد. به عنوان نمونه به سخنی از گلدستون<sup>۱</sup> که حکم مرزی ایران در بلوچستان دوره قاجار بود، استناد نمود: «انگلیسیان که اینقدر طمع و حرص به تصرف خاک دیگران و ممالک سایر را در تحت تصرف می آورند، مانند دایره کوچکی است که در دریای بزرگ حادث می شود و آن دایره کم کم بزرگ می شود تا از نهایت بزرگی پاره پاره می شود» (جنوب، سال اول، ش. ۱، ۲۱ ذی الحجه ۱۳۲۸ ق.، ص. ۲).

#### د: مخالفت با انگلیس در برچسب تجزیه طلبی به کارگزاران ایرانی

از دیگر دلایل انگلیسی ستیزی روزنامه جنوب، برچسب تجزیه طلبی و ملوک الطوائفی به کارگزاران مناطق جنوبی ایران، چون شیخ خزعل بود. لازم به ذکر است که در مورد کارنامه

<sup>۱</sup>. Gladstone

شیخ خزعل و ارتباط او با انگلیسی‌ها تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی انجام شده است<sup>۱</sup> منصب و پُست سرحداری، لاجرم و خودبه‌خود، ارتباط و نزدیکی بین شیخ خزعل و انگلیسی‌ها را ایجاب می‌کرد و این موضوع کاملاً بدیهی بود، اما آنچه این رابطه را به‌طور ویژه ارتقاء می‌بخشید، اوضاع و احوال منطقه‌ای و جهانی و از همه مهم‌تر، اوضاع پایتخت و نفوذ انگلیسی‌ها در دستگاه حکومتی قاجار یا به تعبیر اولی، وابستگی رجال و صاحب‌منصبان حکومتی به انگلیسی‌ها بود (قیم، ۱۳۹۱: ۹۸-۹۷). دست‌اندرکاران روزنامه جنوب، تجزیه‌طلبی شیخ را نه تنها باور نداشته، بلکه با انعکاس مطالب روزنامه‌هایی چون چهره‌نمای مصر که از شیخ خزعل انتقاد می‌نمودند، در صدد نمایش دادن چهره واقعی او به‌عنوان یک وطن‌پرست نه یک تجزیه‌طلب برآمدند! توضیح اینکه، انگلیسی‌ها با اعطای نشان مخصوص به شیخ خزعل، ارتباطاتی را با او برقرار نموده و در صدد تأمین منافع خود در مناطق سوق‌الجیشی خوزستان برآمده بودند که از دیدگاه روزنامه چهره‌نما، این ارتباطات حکایت از آن داشت که شیخ محمره [خرمشهر] با همراهی انگلیسی‌ها و حمله به مناطق بختیاری‌نشین خوزستان، به‌زودی در فقدان یک حکومت مرکزی مقتدر، خود را حاکم بخش بزرگی از ایران اعلام کند. اما روزنامه جنوب، خزعل را یک شخصیت با کیاست دانست که ضمن اداره مطلوب منطقه تحت امرش، اعطای نشان از سوی دولت انگلیس به او را هم، با همراهی حکومت مرکزی دانست. به روایت منابع و از جمله روزنامه جنوب در پاره‌ای اوقات، شیخ خزعل به اخذ تعهدات کتبی و شفاهی از انگلیسی‌ها به انحای مختلف در چارچوب سیاست‌های مورد نظرش اقدام می‌نمود و با دوری و نزدیکی به انگلیسی‌ها به تحقق آنها امید داشت. از دیدگاه روزنامه جنوب، نشانی که از طرف جورج پنجم به خزعل اعطاء گردید، به دلیل نقش شیخ در برقراری و حفظ امنیت تجاری انگلیس «در آن صفحات که ابواب‌جمعی شیخ هم محسوب می‌شد»، بود و کنسول انگلیس اظهار امیدواری نمود که شیخ خزعل، علاوه بر خدمت به دولت ایران، به رابطه دوستانه خود با انگلیس که از زمان شیخ جابر تاکنون میان شیوخ محمره و دولت انگلیس به‌وجود آمده بود، پایبند باشد (روزنامه جنوب، ش. ۵، ۲۰ محرم ۱۳۲۹ ق، صص. ۳-۲). روزنامه در مطلب جالب‌توجهی برای رد تجزیه‌طلبی شیخ خزعل، به سابقه تاریخی اعطای نشان از سوی انگلیسی‌ها در هندوستان به راجه‌های (شاهزاده‌های) هندی اشاره نموده که با دریافت این نشان‌ها، ضمن دور شدن و از دست‌دادن مناطق آباء و اجدادی، سرانجام به گدایی افتاده و انگلیس اموال و دارایی آنان را

۱. در این زمینه بنگرید به: لورین، ۱۳۶۳؛ قیم، ۱۳۹۱؛ پور کاظم، ۱۳۸۲؛ انصاری، ۱۳۷۷.

به لندن فرستاد. روزنامه به بینش تاریخی شیخ در اعطای این نشان اذعان دارد و بر این باور است که اگر چنین نشانی هم از سوی شیخ دریافت شده، با درایت و هوشمندی وی صورت گرفته است. در ادامه با به شهادت طلبیدن خداوند در رد تجزیه طلبی خزعل، روزنامه مواردی را به شرح ذیل متذکر شده است:

۱- دوستی جناب سردار ارفع (خزعل) با انگلیس به واسطه این است که میان دولت ایران و انگلیس، روابط دوستی ملحوظ است و باید سرحدداران دولت علیه با دولت هم جوار خود به دوستی سلوک نمایند.

۲- اگر بلادی تحت نفوذ شیخ است، از طرف حکومت عربستان [خوزستان] نایب الحکومه محمره و شیخ المشایخ می باشند و یک نفر از سرداران عظام آزادی خواهند. دولت ایران هم، توجه خاص در باره ایشان دارند و از سرحدداران باشرف این آب و خاک به شمار می آیند.

در رد مناقشه با بختیاری ها هم، نه تنها آن را به اراده انگلیسی ها ندانست؛ بلکه این مناقشات را طبیعی و در رده «مناقشه طوایفی» و «منازعه ایلپاتی» برشمرده که در همه دولت ها موجود بوده است. در موضوع خودمختاری شیخ در محمره نیز آن را رد نموده و تبعیت اعراب از او را به علت اینکه «نوکر دولت علیه ایران» است، دانسته که در صورت بی التفاتی به او توسط دولت، تمام اعراب از او فاصله گرفته و دیگر از او اطاعت نخواهند نمود (جنوب، سال اول، ش. ۲، ذی الحجه ۱۳۲۸ ق.، صص. ۷-۶).

### ح: بیداری و آگاهی ایرانیان

انقلاب مشروطه که فصلی مهم در آگاهی بخشی به ایرانیان و حاصل بیش از پنجاه سال مبارزه با حکومت ناصری و عمال استبداد بود، در مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری ایرانیان گامی مهم برداشت. ایرانیان که با مشروطه به حقوق خود بیش از پیش آگاهی یافتند، در صدد برآمدن تا از طریق مبارزه با استعمار انگلیس در تثبیت ارضی و حقوق مدنی، اشراف بیشتری پیدا کنند. این موضوع از دیدگاه روزنامه جنوب، از جمله دلایل مخالفت انگلیس با مشروطه بود که با تحقق آن، در صدد برآمد با این خودآگاهی و احیای هویت ملی ایرانیان مقابله نمایند. روزنامه جنوب در مطلبی با عنوان: «اوضاع جنوب، پلتیک انگلیسی ها» با انتقاد از «پلتیک نرم و ملایم» آنان در ایران و طی سالیان گذشته، بر این باور است که این سیاست، آنچنان به ما ضرر وارد نموده که از دشمنی آنان بدتر است. شاهد مدعا هم، همان سابقه استعمارگری آنان در مشرق زمین بود که نه تنها روابط ایران با ایالات

سابق خود را خدشه‌دار نمودند؛ بلکه در تجزیه نهایی آن نیز تأثیرگذار بود. روزنامه از افغانستان و هندوستان و نقش مخرب انگلیس در قطع غلقه‌های دیرین تاریخی این دو ایالت با ایران سخن می‌راند. همچنین تصرف بلوچستان، اراضی اطراف هیرمند به اسم سرحدبندی ایران و افغانستان، سلب حق حاکمیت ایرانیان بر مسقط که شیوخ آن همیشه گوش به فرمان شاه ایران بودند، تجزیه و جدایی چهارصد جزیره کوچک و بزرگ در بحرین به اسم اجاره و استجاره و اختصاص دادن آنها به نام خود، از دیگر ستم‌های انگلیس علیه ایرانیان بود. به اعتقاد نویسنده، انگلیس، نه تنها اشتها و ولع سیری‌ناپذیر خود را از دست نداد؛ بلکه با تحقق مشروطه و ایجاد حس آگاهی در ایرانیان در مبارزه با استبداد و استعمار، در صدد برآمد که باز ایران را تجزیه نموده و مانند مصر و هندوستان به یکی از مستعمرات خود تبدیل نماید. روزنامه انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م. میلادی را به همین دلیل می‌داند که با انعقاد آن، نه تنها انگلیس به اختلافات خود با روسیه پایان داد و در ظاهر برای حفظ استقلال ایران، اما در باطن: «دولت قدیم چند هزار ساله ایران و پایتخت کیان و ساسانیان و وطن داریوش و اردشیر را میان خود تقسیم نموده و ایرانیان را مانند گوسفند و گله بیابان پنداشتند و به خیال تملک آن افتادند» (روزنامه جنوب، سال اول، ش ۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۸، ص ۵).

از نظر نویسنده، با تحقق مشروطه و رهایی ایرانیان از فشارهای خارجی و آگاهی ایرانیان نسبت به سیاست‌های شوم روس و انگلیس، آنان نه تنها به انعقاد قراردادهایی مثل قرارداد ۱۹۰۷ م. تن نداد، بلکه از اینکه این دو دولت، بدون در نظر گرفتن دولت مستقلی چون ایران، به انعقاد این قرارداد اقدام نموده بودند، آن را به یک اعتراض جهانی مبدل کردند. بنابراین، انگلیس زمانی که متوجه شد ایرانیان، دیگر همچون سابق «ساده و ابله» نیستند و «این نقشه‌ها به خرج آنها نمی‌رود» (روزنامه جنوب، سال اول، ش ۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۸، صص ۶-۵)، علناً اظهار دشمنی نموده و در صدد برآمدند تا با نشان دادن «قدرت و شوکت» خود، ایرانیان را مرعوب کنند. به همین دلیل اولاً با روس‌ها متحد شده و مجلس را به توپ بستند و با کشتن، حبس و تبعید نمایندگان مجلس شورای ملی به تعطیلی مشروطیت اقدام نمودند. ثانیاً در جریان قشون‌کشی روس‌ها به تهران تا قزوین آنان را مساعدت نمودند تا از تجدید مشروطیت در ایران جلوگیری نمایند. سرانجام با فتح تهران، توسط مشروطه‌خواهان که نتوانستند سیاست خود را عملی نمایند، با حمایت علنی از محمدعلی شاه، مانع از تسلیم شدن او به دولت مشروطه شدند! نویسنده در ادامه و با اشاره به این ناکامی، به دوره سوم اشاره دارد که انگلیس با اعمال یک «پلتیک اشتراکی» در صدد برآمد با ایرانیان اظهار دوستی و دشمنی توأمان داشته باشد: «از یک طرف،

سر ادوارد گری<sup>۱</sup> وزیر خارجه انگلیس در پارلمان این کشور تصریح می‌کند که لشکرکشی روس‌ها به ایران غیرقانونی است و از سوی دیگر با یک یادداشت بی‌سروته، بقاء قشون روس در ایران را تقویت می‌نماید. همچنین محض امنیت طرق و شوارع ما مساعدت مالی می‌نماید و از طرف دیگر محرک جنگ ایلپاتی در جنوب می‌گردد و بر آتش فتنه دامن می‌زند» (روزنامه جنوب، سال اول، ش. ۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۸ ق.، صص. ۵-۶).

در یادداشتی دیگر، مقاله‌نویس روزنامه جنوب، ضمن انتقاد به «یادداشت حق‌شکنانه انگلیس» و همراهی آنان با روس‌ها، با اشاره به تاریخ صدسال گذشته بر این باور است که در هیچ زمانی فشارهای دول خارجی به ایران در این سطح نبوده و از نظر او اعمال این فشارهای جانکاه، «همان بیداری ملت و تأسیس حکومت ملی» است (روزنامه جنوب، سال اول، ش. ۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۸ ق.، ص. ۶). نویسنده مقاله با تأکید بر سیر تاریخی سیاست روس و انگلیس قبل از مشروطه، تحقق منافع آنان را به دلیل وزراء و امرایی می‌داند که در جهت تأمین منافع شخصی خود، امتیازهایی را به روس و انگلیس واگذار نموده و در واقع «این ملت چند هزار ساله پایمال اغراض نفسانی و شهوانی وزرای سلف بود» (روزنامه جنوب، سال اول، ش. ۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۸ ق.، ص. ۶). وی اذعان دارد که تمام خوشبختی ما از وقتی آغاز شده که ملت ایران به حقوق خود واقف شده و ذره‌ای از آب و خاک خود را به بهای چندین کرور نمی‌دهد. (روزنامه جنوب، سال اول، ش. ۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۸ ق.، ص. ۶). این بیداری ملت است برای اضمحلال آن قشون روسی که در ایران یک سال و اندی رحل اقامت افکنده است» و سرانجام، از نظر نویسنده این مقاومت ایرانیان در مقابل روس‌ها است که یادداشت حق‌شکنانه دولت انگلیس را به همراه داشت و با همین آگاهی «جلو سرنیزه سالدات روس و پلتیک نرم و ملایم انگلیس مقاومت نموده و با هر سختی و فداکاری که باشد، وطن خود را از هر نوع مخاطراتی نجات می‌دهند» (روزنامه جنوب، سال اول، ش. ۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۸ ق.، ص. ۶). نویسنده، نکته مجهول را همان «مقاصد فاسد انگلیس» دانست که با معلوم نمودن آن، تنفر ایرانیان از آنان را مانند روس‌ها افزایش داد. همچنین با تفهیم این موضوع به انگلیسی‌ها که جغرافیا و مردم ایران همچون افغانستان و مصر نخواهد بود، نوشت: «ایران تا حدود جولان پلتیک اوست که دست به این اقدامات نامشروع نزنند. از حسیات هیچ ملتی نمی‌توان جلوگیری نمود و مانع ترقی ملتی گردید. سابق اگر نادری بود، این زمان نادرها در ایران است، سابق اگر برای یک شاه‌جان‌ها به کف گذاشته می‌شد، حالیه برای حفظ یک مملکت

<sup>۱</sup>. Edward Grey

یک ملت جان خود را فدا می‌نماید» (روزنامه جنوب، سال اول، ش. ۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۸ ق.، ص. ۶). او همچنین با تعجب از یادداشت نسنجیده انگلیسی‌ها و منت‌گذاری آنان در «بی‌نظمی مصنوعی جنوب» بر این نکته پافشاری می‌نماید که در جنوب، نه‌تنها ضرر مالی و جانی به انگلیس وارد نشده که آنان چنین یادداشتی را صادر کنند، بلکه اگر انگلیسی‌ها بخواهند، پا را از گلیم خود درازتر نموده، دولت ایران نه‌تنها در جنوب، بلکه در همه نقاط مملکت، دارای هر نوع اقتدار خواهد بود (جنوب، سال اول، ش. ۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۸ ق.، ص. ۶).

### نتیجه‌گیری

روزنامه جنوب یکی از انتقادی‌ترین روزنامه‌های اواخر دوره قاجاریه به‌شمار می‌رفت. اهمیت این روزنامه به این دلیل بود که مطالبات اساسی کشور به‌ویژه مناطق جنوب ایران را شناسایی و ریشه‌یابی می‌کرد و بی‌پروا به آن می‌پرداخت. این روزنامه با تحلیل‌های دقیق، به چرایی مقابله انگلیسی‌ها با مشروطه و تشکیل حکومت ملی بعد از تحقق آن می‌پرداخت. منافع اقتصادی انگلیس بعد از مشروطه در رقابت با روس‌ها در گروی ایجاد ناامنی در مناطق جنوبی ایران محقق می‌شد و در این راستا، آنان با ایجاد تفرقه بین والیان مناطق و مردم تحت امرشان، از طریق قاچاق اسلحه به این مهم مبادرت می‌نمودند. همچنین بیداری و آگاهی ایرانیان بعد از مشروطه که به‌واسطه نشر مطبوعات و آگاهی از تحولات جهان آن روز حاصل شده بود و به همین دلیل ایرانیان با قراردادهای لینچ و قرارداد ۱۹۰۷ م. مخالفت نمودند، از منظر روزنامه، یکی از دلایل اصلی مخالفت انگلیس با مشروطه بود. مخدوش نمودن چهره کارگزاران ایرانی چون شیخ خزعل که با استدلال‌های نه‌چندان موجه از عملکرد او حمایت می‌نمود، به عنوان یک شخصیت خودمختار و غیرملی از دیگر دلایل مخالفت با استعمار انگلیس بود. روزنامه جنوب با احیای شخصیت آنان به عنوان دوستدار وطن، در صدد خنثی نمودن این سیاست برآمد. فرجام سخن آنکه، روزنامه علی‌رغم اشارات قابل‌توجه به سیاست‌های انگلیس و تنویر افکار عمومی در این زمینه، در فقدان یک حاکمیت مقتدر مرکزی و مقابله انگلیس با سیاست‌هایی که به اقتدار مشروطه و حکومت مرکزی بازمی‌گشت، نتوانست بر مشکلات ایران آن روز به صورت عملی فائق آید و انگلیس و در ادامه، روس‌ها با ایجاد بحران‌های مالی و سیاسی متعدد بر مشکلات کشور دامن زده و مشروطه را به‌صورت نیم‌بند به حاشیه برده و سرانجام با وقوع جنگ جهانی اول بر دامنه بحران افزوده شد و کشور بیش از پیش در بحران فرو رفت.



| شماره ۹                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                | جنوب                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 | شماره ۹                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>خواهند نمود</p> <p>ظلم و استبداد شما در دهستان لبت باهود و مسلمان همه شما عده بودند مشرقین دارند پشاور میشوند همین قدر استقامت کاین مدت خود بدین است دیگر دست بردارید تردید است سر گذرد مسلمانان پشاور که همیشه میباید انگلیسها را که همیشه طبع و خصلت به تصرف خاک دیگران و محاکمات سوره وادرت تصرف می آورند باید که بکنند است که در دریای بزرگ سلامت میباید و آن داره کم کم بزرگ شود تا زمانه بزرگ پاره می شود حال میباید هم گناز دست زدن به دولت قدیم اسلامی سوری نخواهد بود مگر آن غم مسلمانان را بهیچان نیاید و دولت ملت با ملت سود گر باشند</p> <p>۲ اتحاد ایرانیان و عثمانیان</p> <p>امروز بگاه تکلیف ملت اسلامی اتحاد و اتفاق است ما نظریه یونانی سیاست دولت داریم که تکلیف آورد مسئله اتحاد پشاوران چه نوع باشد با تکلیف هست بابت نظر ما محبت ملت و ارتباط قومیت اسلامی می باشد موش میگویند بر جلال مقدالی دعوی چیست اصحاب ترقی دوره تاجدار اسلام که سلاطین جزء پام باج گذار سلطت اسلامی بود از ترار فرانسه بابت دوازده چین صدای تکبیر مسلمان بلند بود قهر و هیای و غریزات اسلام که از سر ابراز میباید بواسطه افسانه کلمه اسلامی و باقی بودن رشت ملت بود امروز روزی است که اولاد غازیان اسلام از این دودمان اسلامی که باقی ماند دست اتحاد را بامداد پیکان ویت لاری اسلام را نمیدانند که باید کفایت حکم اسلامی که کلمه میباید است حفظ شوند</p> <p>خلاصه مذاکرات مجلس</p> <p>از غرض ذی خصلت سه ۱۳۲۸</p> <p>اهم مذاکرات ذی خصلت اول از غرض ذیل است</p> <p>۱ شورائی در قانون دیوان محاسبات</p> <p>از ماده ۶۱ لی اخر</p> <p>۲ شور در چنانچه از قانون قبول و تکرار برود تجاری</p> <p>۳ شور در افزایش ملا شوقی سکینه زر</p> <p>و اخیر مینع الدوله</p> <p>۴ دیورت کسپین تقی علی</p> | <p>خارجی ایران است مسائل ذیل است</p> <p>(۱) اقامت قدین روس در ایران بدون مستلک قانون</p> <p>اولا از مولود دولت روس بهیچ دولت در چین ورود قشون خود و اخذ تیرک برادر های دول دادند که قشون ما بدون هیچ قدرتی بعد از ملت خارج نخواهد شد و لوری سو بودن قشون در داخله محکمت قطع نظر از اینکه خود شاق محرمات می نمایند و چاه میبرند</p> <p>اساسا علت تولید هیچ و سرچ میباید و می صاحب حق و وجود این مسئله را تصدیق میباید و البته دول متدنه علم را نمی خواهند شد که براسطه قشون اجابت یک قلمه از مسکن نوع بشر در هیچ و سرچ بیاند</p> <p>ایرانیان نخواهند سکونت تصرفات طالبانه در اب و خاک شان خود نهایت امید واریزی که دولت روس میدهد می لیصله ایشان را ساکت نموده و می کا میباید شد تا ایران بابت خود را خواهند داد ایرانیان بخوبی میباید دولت روس با انسانی و ان حرس موبست سانه به هندوستان و ان استقامت دوره استبداد از هر بار غلبه یونان زودی دست از گریزانان نخواهند کشید و حاضر میشوند برای مدافعه</p> <p>۲ یاد داشت دولت انگلیس که اگر جنوب تا سه بلخ امنیت پیدا میکنند توسط صاحب مصیبت نظامی هدای امنیت خواهم داد تا می جنوب از انگلیس است تحریرات انگلیس در فارس و کرمان و بندر بلوچستان هرستان و سایر نقاط آسیای باقی شده است دولت جنوبی است از دوستی ما بر دار از همدان امنیت محکمت خود بر میباید (سرا قهر و امید نیست شر مرسان) ما تا چار دیل دوست خود میگوئیم ایرانیان هنوز دارای خون قاتل میباشند هنوز باید ملت مذکوره هند تشنه خون و قاع جانک ایرانیان در سحرای براز جان از نارنج هو خنده باز جان ضرب دستهاییک نموده او در موزه بدن باقی است خواهند دید از وقت یک چند نفر پشاور و هشیار بودند این ارجع فدا کاری در پیشگاه وطن مقدس خود نمیدانند امری که اپلات قلمه پشاور و حفظ وطن خود</p> | <p>از کتابت اداره سکریتون محکمت و محافظت رند ولیکن احتیاجات</p> <p>خود را جنوب همیشه و در حکمت ملی مصادر امور که دست نشاندۀ اهالی هستند تا بارتند که پیروی ای نام را بپایند</p> <p>بسیار مصادر امور میباید بودند</p> <p>احتیاجات ضروری اهالی محکمت چیست که اولین وظیفه خود را در انجام آن بپایند</p> <p>میباید رجوع کنند به مقامات متصدین حضرت حیدر علیهم در اولین جنبش ایرانیان بر شد حکومت محکمت که در این پای تخت روی داد</p> <p>ان فساد را بطوری ما در نظر داریم و اقدام زبانی هم نگذاشته که فراموشی و نسیان عارض شود بهیچین حضرت حیدر علیهم که از اثر انگشتان تعلیمات عموم اهالی در تمام واحا و اطراف ایران هرچنان آمده بودند شکایت داشتند از ظلم و تعدی محکمت و سامورین وایع و عدم رسیدگی به شکایات آنها و عدم امنیت طرق و انتقال آنها و در محکمت همان چیزها میخواستند که نام اوردینا میخواستند امنیت ملی ما چالی و ناموس از قانون گذاران و محکمت را بایان خوفان سوال میگویند لاین مطالب را که اولین وظایف حکومت ملی و شرایط حدود اجتماعی است برای اهالی اشخاص داده اند اگر اصفال دهنه این همه شکایات و تعلیمات بر احدی منطبق نیست</p> <p>این مسئله را هم شهادت میبدهم که اهالی ایران هرچنان بر و فرو نمهند تا کار جان و کارد به عنوان آنها برسد فریادشان بلند میباید شد</p> <p>ما از روی امید وار خواهیم شد که مشاهده کنیم پارلمان مقدس ما نظریه محبت دارد را بهر اطراف محکمت مقننه ساخته است باجای ضروری محکمت را در مد نظر گرفته بهر الامم قاعه قوانین لازم را وضع نماید و نیز حکمرانان ما با تدابیر عملی بقای قوانین را اجرا نمایند و رعایت عمومی فراهم شده شکایات بخشنه برطرف گردد</p> <p>سیاسی</p> <p>ایم مطالبیکه امروزه اجماع به سیاست</p> |

## سند شماره ۱

نقش و تحرکات انگلیس در ایجاد ناامنی در مناطق جنوبی ایران

روزنامه جنوب، سال اول، ش. ۱، ۲۱ ذی الحجه ۱۳۲۸ ق. ص. ۲

لوح مطبوعات فارسی ایران (۲)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

همانجا قلع نمود  
(۳) بیلوچستان کمک طاق ایران بود  
تصرف نمود بهیخته جاشیه کوچک چیزی  
بسیاری بگذاشت  
(۴) ایلم سرحد بی افغان ولایت قسمت  
بزرگ از اراضی اطراف رود هیر نامدا از  
تصرف ایران خارج نمود  
(۵) مسقط که همیشه شیوخان فرمانروایان  
ایران نزول و نصب می نمودند، کابین اوایل  
همین بود حق حاکمیت ایران را از آن سلب  
نمود و در تحت حمایت خود کشید  
(۶) چهارصد مجریه بزرگ و سکو-ک  
بهرین را که بهترین معادن فلزات دلیا است  
بسیار بهره و استفاده از کشف ایران را کنون  
خارج نمود. باید به خود  
(۷) ج. ایرانشهر و بنگر که همان سپهر می  
صان و قریب کار، تصرفات مخصوص ایران  
بود و اکثر هر یک موجب تفریق است به  
لدرج غنی شود ساخت و بالا رده دولت  
انگلیس به کار هر چه بلیه اشتباهی بود  
ساز و نمود و بلیه سرس و فرس و جویو شده  
حلیه مزید کوپان را راه مکرر و به وقت را  
بدولت شمالی کنار گذاره و این طریقه  
دوست را هم باز کرده تا با هم دوست شد  
به یک طرف مزورانه ظاهر را رفته و با هم  
من قبایل الذب (بنا بر حفظ استقلال  
ایران و در همان دولت قدیم چندین هزار  
ساله ایران پای تخت کیان و ساسانیان و  
موتن ماریوتی و اردشیر را به خود وقت  
نمود و ایرانیان را بکند کردند و کله بیابان  
پشت داشتند و بیابان تنگ افتادند  
اما ایرانیان که این اواخر از افسرانهای  
غریبی و سیدات سکونت اسکن از  
خواب غفلت بیدار شده و تا حدی  
خیالات شده دولت طامع اروپا در حق  
خود متعاهد کردند اینها بدین دوستی خانه  
بر افتادند با حسین حقیقی و استواران ایران  
ن در نداده و قرار های آن در دولت  
را که بدون اطلاع در بزه یک دولت مستقل  
کلت داده بودند در تمام دنیا فروست  
نموده و در حق این نقشه خیالی بر هم  
خود انگلیس که دیدند این اربابا غیر  
از آن ایرانیهای ساده و با به همد و این  
نقشه خارج چرخ آنها نبرود عاقلانه

تصرف ده خود مایات خود را درین سال  
طدا دارد. مایه خواهند پرداخت و درین  
قره بعد قرن از حکام مسکندند و درین  
اجتاف دریناد که بالاخر بکشتن حایبی  
کری با ایشان طرف نبود و او را طوایف فرس  
میگفتند و باین درازد که دولت یعنی ندی و  
اجتاف و نظم است و هیچ وقت دولتی دارای  
عدل ندهد و نخواهد شد

## پیرایه

ارورود حضرت سردار می اداره نی بکات  
خود را توسط این نامه تقدیم می نمایند  
حیاتیات حق نشانی که که در حق طایف ملت ندر  
دان طهران روزنامه جاری بی تکرار شده  
است در واقع این حیاتیات نیست که کار را اطمینان  
بسیار آیه ملک خود میدهد که ملت حق  
تنهایی طهران زحمت این سردار آزادی و  
فهرمان حریت را در طایق تسلیم قرار نماند  
و همه نوع در قلم جریان آن خدمات کبر  
و جود مبارک ایشان وارد شده برآمده ملت  
ایران را بشارت میدهم به پیش آمدهای  
قوشی از این حیاتیات که عدم طایف مردم  
طهران برآورده شد

## ارتجاع جنوب

## ملک انگلیس

پایه زرمولام انگلیس در ایران در طرف  
این مدت دوستی چنان یوسق از ما که کنگره  
و درین مملکت منقضی شدن ما را فرسده شرحه و  
دست و پای طارقالق کرده که منار مرلیه از  
دشمن بدرات  
۱. الحارت افغانستان که همیشه یکی از ایالات ایران  
محبوب می شد و طایفه هم با هم داشتند از  
حیث برادین اخلاق زبان و وضع کفایت  
مستقل خود مستقل است به قدرت و عدالت  
ایده دینیه احداث نموده و با این گلیه و بیض  
بکوشش و کشتن مار و قی از بیابان برداشته شود  
۲. سلاخی خد که همیشه باج کتار ایران بودند  
خواهاده آنها را برداشت و سلاخ آنها را  
بود خلت پرگه خندوسان که بستره خشت  
عشت ایرانیان عصب می شد عداوت خرا  
اما خیار و سیامین ایران همیشه بگشت و کتار  
ایشان رفته منابع بسیار تحصیل می نمودند  
مصرف و به طاعتی ساختن زبان فارسی که  
زبان علمی هندوستان محبوب می شد از مدرس  
علمی و مایه بر داشت و روابط صدوی مارا

خود را و خرج تراشان می نمایند  
چنانکه در مایه بلاد جنوب اختیار مایه برار  
همه حکام و اکتدار خود به طایفه محکمت  
مرستان مومل است که پولی از مالیات آنها  
و از خزانه دولت بخرید و بخرید و انکاحی  
مرستان باین همه خدمات و لایات کاپتان  
و اراده و مایه بزرگ مالیات دولتی را به  
بمورین حکومت پرداختند و لیکن بواسطه  
خرج برایشان حکومت ادا چیزی عاید  
دولت نگردد و این بواسطه بیرون حیات  
طایفه خنیک امور در مرستان و سایر بلاد  
جنوب است و هرگاه آنکه توجیه وزارت مایه  
بدر اقلل حیات اداره مایه دوجوبی  
عوم اولاً خرج تراشایان در وقت از میان  
میرت و قلیا در کای بلاد جنوب خصوصا  
مرستان مالیات دولت بخرید و بیرون حیات  
دارد که در گلیه بیرون حیات نیست که هرگاه  
شبه مایه در اینجا مایه می بود نمایان  
تفاوت همایا حاضر در صندوق مایه میشد  
و الا چه دلیل باید ملت بدست قس از اداری  
خود را بسم دولت باز دارد و حال آنکه دولت  
بدری از آن نرسد و در اینجا مایه صرف اصلاح  
ملکت شاید و مایه مایه خود را مظهر نمایند  
موفق به هیچ اصلاحی نخواهند شد زیرا که  
حسب هر اصلاحی که بخرید عیاج پول است  
شاید قاری عظم در آنکه عیش شد  
(بمورین حکومت اشتغال مضاعف مالیات  
و ایلم قنوت عمل میگردند) تصور افراق  
کوتی نمایند و مایه حاضر به تحصیل و  
تشریح مدلی بدارم که یکصد سی هزار  
تومان مالیات مایه مرستان بکثرت عمل  
بالتجربه گردد و بخرید و مایه شرحه و  
توجیه این مسئله به طاعتی صرف نظر می  
چشم و کوی وزارت مایه تصور می باید که  
مرستان بکوی مایه موشی خوشتری است  
کالین مایه باید از طوایف مکرده و حتی  
و در مالیات باید که بکثرت در دستگیر شده  
مایه بکثرت خود اشتغال و با مایه داشته  
اشکاب است تمام مالیات مرستان از شهر  
نشان گرفته میشود و تمام ایلم که مالیات  
ای باید پرداخت شود ماکان آنها در شهر  
مکن دارند و از مالیات طوایف هیچقدر که  
نظارت عمل فوق العاده که بکثرت حکومت  
بشاورین عظمه از آنها میگردند و بیایه

## سند شماره ۲

اخبار بیداری و آگاهی ایرانیان بعد از مشروطه نسبت به سیاست های روس و انگلیس  
روزنامه جنوب، سال اول، ش ۲، ذی الحجه ۱۳۲۸ ق.، ص ۵  
لوح مطبوعات فارسی ایران (۲)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

| شماره ۲                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              | جلد ۶                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       | جلد ۶                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>با کرام ضرر مالی و جانی برعلیه انگلیس وارد آمده با آن دولت مجبور بان اقدام شود ما با کمال قدرت میگوئیم دولت ایران در هر من تخته از تحلیلت دارای من نوع اقتدار است زیرا ملت ما از یک تراز و دارای یک مذهب و یکر املات دولت مایع خود نیایی فر سر ذلته و تفرقه دامت دولت در اقلایات داخلی خود منتظر است چندی خوب بود که قو حوش تنوب پلویک تا مطلب دوس دولت انگلیس مانع حد خود را حفظ و دولت ایران را پیدای خود میگذشت</p> <p>ما با یک سبای عالی رسا و پیام ملی که از یک تراز و دارای یک عقیده و مذهب حشده این پادشاهت میگذشت دولت انگلیس کفایت نمی از یک خط یک سرافورده گردی است ترست نموده ملت انگلیس را صیوب خود میدانم</p> <p>«نخل از جریده چهره با مشایبه»<br/>(تلمیه مصر صبره و دمیته انگلیسها)<br/>جریده نمی (الوید) تلمیه مصر در عنوان الانگلیس فی الطلیح القاری در شماره (۲۳۹۹) از قول و کلام نگار خود از پسر میلو پند</p> <p>هفته گذشته یک از گفت های جنی انگلیس دو ساحل صبره فکراذلت و جبرال کونسل انگلیس که در پوشش است با تمام کونسلهای انگلیس که در پندار برآیند در قصر شیخ خزل خان ورود کردند - پس از ایامات وسیع جبرال کونسل انگلیس پند شد و یک نشان «ستاره حله» بر سینه شیخ او پند در این پن خزار سنا را سپار سببند پند کردند و پوپا علیک شد در این جشن اغلب بزرگان مسلمان و انگلیسهای پسر بودند مشیبه (شیخ گویت) که اتم انگلیس با او علاقه دارد</p> <p>در چند ماه قبل پادشاه نوشاکم سکه بتازگی مابین شیخ صبره و انگلیس حد دوستی پند شده و در پسره کسی از این دمیبه مطلع شد چونکه شیخ پنهان میداشت و آنچه راستی گفتار سابقه ما ثابت شد و معلوم گردید که پند بسکه</p> | <p>ما از هر من قالی مایلتر بوده محفوظ هر وزیر و امیری که بروی کار میباید عرض خوش آمد و منافع شخصی خود چند امتیاز بیکی از دول هموار داده چند سبلی را به پیش و عسرت می گذرانید اولای امور هم که فقط سرگرم مزاحمت و خیالات شخصی بوده هیچگاه شکر جلوسگیری از مقاصد ناسد افرا نیفتاده این ملت چند هزار ساله پاپسلافش هسانی و سهانی وزرای ساف بود</p> <p>• ملت خواب هم از پلون کار املای نداشتند و این ملک وسیع و پیشی می شد بر دامن گیر پای کسی سکر دی نمی نشست تمام خوش بختی های ما از وقتی است که ملت محقوق خود واقف و قرة اب و عسک خود را به بیای چندین کروو نیمه نمایانیداری ملت است برای اشغال ان قشون روسی یکسال چندی است در وطن من پز ما وصل اقامت انداخته این پیداری ملت است که پاد داشت حق شکسته انکلیش را پند می شود با لآخر همین پیداری ملت است که در جلو سر نیزه سادات روسی و پللیک نرم و ملایم انگلیس مقاومت نموده و پارسین و دناکاری که پند و ملن خود را از من نوع مخاطراتی نصرت میداد</p> <p>چیزی که در انتظار مجبور و لازم بود معلوم شود همان مقاصد سدا انگلیس است نظرات ملی اگر مسطور بیگسرت و از سرت دیگر غفلت نمود حالیه بدوستی متوجه خواهد بود دولت انگلیس باید پنداداران برای او افغان و مصر غراند پرو ایران ساجدی جولان پللیک اوست که دست پند اقتدایات با شروع نرد از سیمات هیچ ملی نمی توان جلوی گیری نمود و مانع زنی حلق گردید ساق اگر نلدی بود این زمان پادها دو ایران است سابق اگر برای یک پنداشه چان ها بکف گذاشت می شد حالیه برای حفظ یک ملک یک ملت چان خود را همار میباید</p> <p>ما تعجب داریم چه شده است سکه دولت انگلیس برای من قلمی مصلوحی جو پند داشت میباید کلام سکه خناری</p> | <p>دشمنی کرده خواستند پندار قدرت و شوکت خود ایرانیان را مرعوب نمایند</p> <p>۱. روسها متحد شده بدست محمدعلی و حسین پاشا و لایلوف کیه لیل ایرانیان مجلس مقدس شورای ملی را توپ بسته و کلاهد را چه کت و چه زنجیر و چه از طوارا اشراج نموده مشروطیت را لیلو ازادی خواهران مقتول یا مجبور و یا فراری شدند</p> <p>۲. در مختار قشون کسی دوس پیران شرکت نموده آفرین را رو سپها لکد گوب سم سوروان خود ساختند فاید این ترتیب توانستند جلوی گیری از عید پند و قلم مشروطیت در ایران بنمایند</p> <p>۳. پند از آن هم که فتح طهران برای ازادی خواهران پسر شد و پللیک ایشان نکرقت ملتا از بعد حل می را حایت نموده او را از چنگ ایرانیان خلاص نمودند</p> <p>این دوره دوم هم نردی سیری شدیدی انگلیس از دشمنی ملی هم پسره ایردند و ایرانیان با پند شدیدی ملی انگلیس مرعوب شدند</p> <p>حالا یک خوره سومی پیشی آمد انگلیسها پللیک اشتراک و پللیک را پیش گشیدند از پی هم دوست حشده هم دشمن از نظرف سر ادوارد کری وزیر امور خارجه انگلیس در پا داشت تصریح میباید که قیام قشون روس در ایران من جهت است و از طرف دیگر یونسفه یک پاد داشت من سروه شاه قشون روس را در ایران قیوت پنداید از یکطرف منی امنیت طرق و شوارع را مساعدت مالی میباید و از طرف دیگر سناک ایلیای رادر جنوب خود هرگز انشیک را دامن میزدند این پللیک که شروع شده ملت و خیم ان چه شود</p> <p>«راجم به پاد داشت شکسته انگلیس»<br/>از سه قرن یکطرف نظر میال ایران و دول هموار که میبایدیم خواهیم دید هیچ موقعی قنار های سخت دول نیست پا بدرجه حالیه ایروند با مقصد ما جهت میان پیداری ملت و تمسبی حکومت ملی است در عهد سلاطین لشیداد مانع دول که مضرات ان نیست میال</p> |

### سند شماره ۳

اخبار بیداری و آگاهی ایرانیان بعد از مشروطه نسبت به سیاست های روس و انگلیس  
روزنامه جنوب، سال اول، ش. ۲، ذی الحجه ۱۳۲۸ق، ص. ۶.  
لوح مطبوعات فارسی ایران (۲)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی



## منابع و مآخذ

### کتاب‌ها:

آبراهامیان، یرواند، ۱۳۷۷، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

امینی، علیرضا و حبیب‌الله شیرازی، ۱۳۸۲، *تحولات سیاسی و اجتماعی ایران*، تهران: قومس.  
انصاری، مصطفی، ۱۳۷۷، *تاریخ خوزستان*، ۱۸۷۸-۱۹۲۵ (دوره شیخ خزعل)، چاپ دوم، ترجمه: محمد جواهر کلام، تهران: شادگان.

پور کاظم، کاظم، ۱۳۸۲، *شیخ خزعل و امارت‌های عرب خوزستان*، تهران: سرزمین خوز.  
حمیدی، جعفر، ۱۳۷۸، *بوشهر در مطبوعات عصر قاجار (جنوب، حبل‌المتین، مظفری)*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

شهوند، علی و مهدی اسدی، ۱۳۹۹، «عوامل مؤثر بر قاچاق اسلحه در خلیج فارس و بندر بوشهر طی سال‌های قبل از جنگ جهانی اول (۱۳۳۱-۱۲۹۷ ق.)»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۱۶، بهار و تابستان، ۱۴۲-۱۲۳.

فوران، جان، ۱۳۷۸، *مقاومت شکننده*، ترجمه: احمد تدین، تهران: رسا.  
فورو کاوا، نوبویوشی، ۱۳۸۴، *سفرنامه‌ی فورو کاوا*، ترجمه: دکتر هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

قیم، عبدالنبی، ۱۳۹۱، *فراز و فرود شیخ خزعل*، تهران: کتاب آمه.  
لورین، سر پرسی، ۱۳۶۳، *شیخ خزعل و پادشاهی رضا خان: خاطرات سیاسی سر پرسی لورین وزیرمختار انگلیس در ایران*، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: فلسفه.

معینی رودبالی، رضا و محمد کشاورز بیضایی، ۱۳۹۹، «نگرشی بر شکل‌گیری نظمیه بنادر فارس و عملکرد آن در دوره قاجار»، مطالعات تاریخ انتظامی، دوره ۷، شماره ۲۶، ۷۰-۴۷.

معینی رودبالی، رضا، محمد مهدی روشنفکر و حسن قریشی کرین، ۱۴۰۰، «بررسی مواضع روزنامه جنوب نسبت به تصویب لایحه جلب سوار از ایلات و عشایر بعد از مشروطه»، مطالعات تاریخ انتظامی، پیاپی ۱۸، ۷۹-۱۰۲.

نظام‌السلطنه، حسینقلی خان، ۱۳۶۳، *خاطرات و اسناد*، به کوشش: منصوره اتحادیه و دیگران. تهران: نشر تاریخ ایران.  
هدایت، رضاقلی خان، ۱۳۸۰، *تاریخ روضه الصفاى ناصری*، ج. ۱۰، به تصحیح و تحشیه: جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.  
یاحسینی، سید قاسم، ۱۳۸۷، *مطالعاتی در باب تنگستان*، تهران: گلگشت.

یحیی‌آبادی، مرضیه، ۱۳۹۳، محمدباقر خان تنگستانی <https://www.iichs.ir/fa/news/>

### نشریات:

روزنامه جنوب، سال اول، شماره ۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۸.

----- شماره ۳، ۵ محرم ۱۳۲۹.

-----، شماره ۴، ۱۵ محرم ۱۳۲۹.

-----، شماره ۵، ۲۰ محرم ۱۳۲۹

-----، شماره ۱۲، ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۹.

-----، شماره ۲۴، ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۹.

حبل المتین، سال ۱۹، شماره ۳، ۶ رجب ۱۳۲۹ ق. / ۳ جولای ۱۹۱۱.